

Comparing the Effectiveness of Cognitive-Behavioral Therapy Based on Stress Management and the Quality-of-Life Therapy on Metacognitive Beliefs and Aggression of Divorced Couples Referred to Welfare Organization in Ilam City, Iran

Hemati Z¹, *Ahmadi V², Mami SH²

Author Address

1. PhD Student in Psychology, Islamic Azad University, Ilam Branch, Ilam, Iran;

2. Assistant Professor, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Ilam Branch, Ilam, Iran.

*Corresponding Author E-mail: Yahid.ahmadi@iau.ac.ir

Received: 2023 February 20; Accepted: 2023 April 23

Abstract

Background & Objectives: Divorce is one of the most important social harms at the individual, interpersonal, and social levels. One of the important psychological functions is metacognitive beliefs. Aggression is also one of the most important causes of requests for separation from couples. A cognitive-behavioral therapy program based on stress management is organized to pay attention to issues such as lack of personal control, confrontational demands, social isolation, and anxiety and depression, all of which are prominent in couples applying for divorce. Although the usefulness of traditional cognitive-behavioral therapy has been confirmed in research, following criticisms of this approach, other combined methods have been presented to treat individual and interpersonal problems. One of these integrated methods is psychotherapy based on the quality of life, which belongs to the positive psychology class. The present study was conducted to compare the effectiveness of cognitive-behavioral therapy based on stress management and quality-of-life therapy on metacognitive beliefs and aggression of referred couples seeking divorce in the welfare organization of Ilam City, Iran.

Methods: This quasi-experimental study employed a pretest-posttest and follow-up (three months) design with a control group. The study's statistical population included all couples seeking a divorce in Ilam City, from which 45 people were selected using the available sampling method. Of these 45 couples, 15 were randomly assigned to the quality-of-life therapy group, 15 to cognitive-behavioral therapy based on stress management, and 15 to the control group. The control group received no intervention. The inclusion criteria for the couples were as follows: age 20–48 years, literacy in reading and writing, and a history of living together between 2 and 15 years. The exclusion criteria were not participating in more than two treatment sessions, unwillingness to continue participating in the research, and concurrent use of psychiatric drugs during the research. Cognitive-behavioral therapy based on stress management was implemented in a group setting during ten sessions for one experimental group, and quality-of-life therapy was implemented in a group setting during eight sessions for the other experimental group. The cognitive therapy based on stress management was conducted based on the practical guide of cognitive behavioral therapy of stress management by Antoni et al. (2007). Quality of life therapy sessions were implemented based on Frisch's quality-of-life therapy (2006). The tools used in this research included the Metacognitive Beliefs Questionnaire (Wells and Cartwright-Houghton, 2004) and the Aggression Questionnaire (Bass and Perry, 1992).

Results: The results showed that the effect of time on both variables of metacognitive beliefs ($p < 0.001$) and aggression ($p < 0.001$) and the impact of the group on both variables of metacognitive beliefs ($p = 0.012$) and aggression ($p = 0.016$) were significant. Regarding the variables of metacognitive beliefs and aggression in both groups of cognitive-behavioral therapy based on stress management and quality-of-life therapy, the difference between the average scores of the pretest with posttest and follow-up was significant ($p < 0.001$). Also, in both research variables, the difference between the average posttest and follow-up scores in the two experimental groups was not significant, which shows the stability of the treatment effects over time ($p > 0.05$).

Conclusion: According to the findings, both treatment methods are effective, but cognitive behavioral therapy based on stress management is better than quality-of-life therapy. Therefore, in dealing with the problems of people applying for divorce, cognitive behavioral therapy based on stress management is more effective compared to quality-of-life therapy.

Keywords: Quality of life therapy, Cognitive-behavioral therapy based on stress management, Aggression, Metacognitive beliefs, Divorce.

مقایسه اثربخشی درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بر باورهای فراشناختی و پرخاشگری زوجین ارجاعی متقاضی طلاق در بهزیستی شهرستان ایلام

زهره همتی^۱، * وحید احمدی^۲، شهرام مامی^۲

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران؛

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

*وابانامه نویسنده مسئول: Vahid.ahmadi@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱ اسفند ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

چکیده

زمینه و هدف: طلاق از آسیب‌های بسیار مهم اجتماعی است که بر روابط افراد در سطوح فردی و بین فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. پژوهش حاضر باهدف مقایسه اثربخشی درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بر باورهای فراشناختی و پرخاشگری زوجین ارجاعی متقاضی طلاق در بهزیستی شهرستان ایلام انجام شد.

روش بررسی: روش پژوهش، نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری (سه ماهه) همراه با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین متقاضی طلاق در شهرستان ایلام تشکیل دادند که از میان آن‌ها ۴۵ زوج داوطلب واجد شرایط با روش نمونه‌گیری هدفمند وارد مطالعه شدند و به شکل تصادفی، در گروه‌های درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی و گواه قرار گرفتند (هر گروه پانزده زوج). درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس به شیوه گروهی طی ده جلسه و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی به شیوه گروهی طی هشت جلسه اجرا شد. ابزارهای پژوهش پرسش‌نامه باورهای فراشناختی (ولز و کاترایت-هاتون، ۲۰۰۴) و پرسش‌نامه پرخاشگری (باس و پری، ۱۹۹۲) بود. داده‌ها به کمک آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر و آزمون تعقیبی بونفرونی در سطح معناداری ۰/۰۵ در نرم افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها: اثر زمان بر متغیرهای باورهای فراشناختی و پرخاشگری ($p < ۰/۰۰۱$) و اثر گروه بر متغیرهای باورهای فراشناختی ($p = ۰/۰۱۲$) و پرخاشگری ($p = ۰/۰۱۶$) معنادار بود. در متغیرهای مذکور در هر دو گروه درمانی، تفاوت بین میانگین نمرات پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری معنادار بود ($p < ۰/۰۰۱$). همچنین در هر دو متغیر پژوهش در هر دو گروه درمانی، تفاوت بین میانگین نمرات پس‌آزمون با پیگیری معنادار نبود که ثبات اثرات درمان را با گذشت زمان نشان داد ($p > ۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس در مقایسه با درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، میانگین نمرات متغیرهای باورهای فراشناختی و پرخاشگری را بیشتر کاهش می‌دهد؛ بنابراین در کار با مشکلات افراد متقاضی طلاق درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس کارایی بیشتری در مقایسه با درمان مبتنی بر کیفیت زندگی دارد.

کلیدواژه‌ها: درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس، پرخاشگری، باورهای فراشناختی، طلاق.

طلاق^۱ از آسیب‌های بسیار مهم اجتماعی در سطوح فردی و بین فردی و اجتماعی است. تجربه طلاق، سازگاری^۲ افراد را در تمام ابعاد روان‌شناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده را به دنبال دارد (۱). طلاق باعث افزایش استرس و افسردگی، افت بهداشت روانی، کاهش کیفیت زندگی^۳، افزایش تنش‌های روانی و کاهش کارایی سیستم ایمنی بدن می‌شود (۲). تقاضا و تصمیم برای طلاق نتیجه فشارهای شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد می‌شود. طلاق یا تقاضای آن معتبرترین شاخص نشان‌دهنده مشکل در روابط زناشویی و گسستگی عاطفی^۴ بین زوجین است (۳).

انباشته شدن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی روزمره، سبب به وجود آمدن مشکلات شناختی و هیجانی و فرسایش می‌شود که می‌تواند عملکرد روان‌شناختی زوجین را تحت‌تأثیر قرار دهد (۴). یکی از این عملکردهای روان‌شناختی مهم، باورهای فراشناختی^۵ است. این موضوع به عنوان فرایندهای شناختی منفی شناخته می‌شود که در شکل‌گیری و تداوم اختلال اضطرابی و افسردگی و نشانه‌های همبود روان‌شناختی در زوجین متقاضی طلاق نقش زیادی ایفا می‌کند (۵). باورهای فراشناختی، جنبه‌ای عمومی از شناخت است که در تمام فعالیت‌های شناختی نقش دارد (۶). بسیاری از فعالیت‌ها و مؤلفه‌های شناختی را عوامل فراشناخت کنترل و هدایت می‌کنند. اطلاعات فراشناختی می‌تواند با تأثیر بر احساسات تجربه‌شونده رفتار افراد را تغییر دهند و همچنین تصمیم به جدایی را هدایت کنند (۷). باورهای منفی فراشناختی نوعی سبک تفکر تکرارشونده، به صورت نگرانی یا نشخوار فکری متمرکز بر تهدید و رفتارهای مقابله‌ای است (۸). پژوهش‌ها نشان داد، بین ابعاد باورهای فراشناختی با کنترل عواطف رابطه معناداری وجود دارد و پیش‌بین بسیار خوبی برای سازگاری زناشویی است (۹).

همچنین از علت‌های بسیار مهم درخواست‌های جدایی از طرف زوجین، پرخاشگری^{۱۰} است (۱۰). پرخاشگری به منزله یک ویژگی در نظر گرفته می‌شود و رفتاری آگاهانه با هدف آزارهای کلامی و غیرکلامی و ابراز خصومت با دیگران است (۱۱). نقص در عملکرد خانواده، خصومت بین زوجین را افزایش می‌دهد و زن و شوهر را مستعد رفتار پرخاشگرانه می‌کند (۱۲). هدف این‌گونه رفتارها تخریب و آسیب‌رسانی به فرد مقابل و اموال وی است؛ رفتاری که بروز واکنش‌های دفاعی و اجتنابی ازسوی قربانی را در پی دارد و در زوجین متقاضی طلاق دیده می‌شود (۱۳).

برنامه درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس^۷ در درمان مسائلی مثل فقدان کنترل شخصی در افراد مبتلا به اختلال کنترل تکانه (۱۴)، رفتارهای مقابله‌ای در زوجین (۱۵) و انزوای اجتماعی، اضطراب و افسردگی در افراد مبتلا به اختلال افسردگی مداوم (۱۴)

کاربرد دارد که مجموعه این مشکلات در زوجین متقاضی طلاق برجسته است. هدف درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس، توانمند کردن افراد در مقابله با فشارهای زندگی زناشویی است. با درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس، فرد بهتر می‌تواند با مشکلات زناشویی خود مقابله کند (۱۵).

سودمندی گروه‌درمانی‌های سنتی شناختی‌رفتاری در برخی از پژوهش‌ها به تأیید رسیده است؛ اما به دنبال بعضی انتقادات از این رویکرد، روش‌های تلفیقی دیگری برای درمان مشکلات روانی ارائه شده است. یکی از این روش‌های گروه‌درمانی تلفیقی، روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی^۸ است. جایگاه این درمان در روان‌شناسی مثبت^۹ قرار دارد و باهدف ارتقای کیفیت و رضایت از زندگی و ایجاد بهزیستی ذهنی در اختلالات روان‌شناختی مثل افسردگی ایجاد شده است. درمان گروهی مبتنی بر کیفیت زندگی به دنبال ایجاد بهزیستی ذهنی و ارتقای کیفیت زندگی افراد با ساختار مشخص و ارائه تمرین‌ها و تکالیف شناختی‌رفتاری است (۱۶).

رویکرد درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و رویکرد درمان مبتنی بر کیفیت زندگی با توجه به ماهیت توسعه‌دهنده روابط ارتباطی کارآمد، به منزله درمان‌های پیشرو و خط اول در روان‌شناسی مثبت شناخته می‌شوند (۱۴)؛ از این رو انتظار می‌رود این درمان‌ها بتوانند بر باورهای فراشناخت و خشونت زوجین تأثیری تأمل‌برانگیز داشته باشند. بررسی پیشینه پژوهش‌ها نشان داد، درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی هر دو در مشکلات مختلف اثربخشی دارد؛ اما با در نظر گرفتن طلاق به عنوان آسیب اجتماعی بسیار مهم که امروزه از معضلات اصلی کشور به شمار می‌آید، ضروری است شیوه‌های درمانی اثربخش بر مؤلفه‌های مؤثر بر طلاق مثل پرخاشگری زوجین ارزیابی شود تا اثربخشی محتوا و تکنیک‌های این رویکردها به منظور به کار بردن درمان‌هایی سودمندتر برای اختلالات و مشکلات بین فردی منجر به طلاق بررسی و مقایسه شود. با توجه به آسیب‌های روان‌شناختی در زوجین متقاضی طلاق و اهمیت بهره‌گیری از روش‌های درمانی، هدف پژوهش حاضر، مقایسه اثربخشی درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بر باورهای فراشناختی و پرخاشگری زوجین متقاضی طلاق بود.

۲ روش بررسی

روش پژوهش حاضر به صورت نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری (سه‌ماهه) همراه با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین ارجاعی متقاضی طلاق از دادگستری شهرستان ایلام تشکیل دادند که پرونده ارجاعی به اداره بهزیستی شهرستان ایلام داشتند. از میان آن‌ها ۴۵ زوج داوطلب واجد شرایط با روش نمونه‌گیری هدفمند وارد مطالعه شدند. از این ۴۵ زوج به شکل تصادفی، پانزده زوج در گروه آزمایش درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر

6. Aggression

7. Cognitive Behavioral Therapy Based on Stress Management

8. Quality of Life Therapy

9. Positive psychology

1. Divorce

2. Adjustment

3. Quality of life

4. Emotional detachment

5. Metacognition beliefs

خودگزارشی سی‌سؤالی است که باورهای افراد درباره تفکراتشان را می‌سنجد. پاسخ به سؤالات آن در قالب مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت از موافق نیستم=۱ الی کاملاً موافقم=۴ محاسبه می‌شود. این مقیاس دارای پنج خرده‌مقیاس باورهای نگرانی، باورهای فراشناختی منفی، کارآمدی شناختی پایین، باورهای منفی درمورد افکار و خودآگاهی شناختی است (۱۷). پایایی این پرسش‌نامه در مقیاس اصلی توسط ولز و کاتریت-هاتون، ۰/۸۹ گزارش شد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب است. به‌منظور بررسی روایی در نسخه اصلی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و $RMSEA=0/053$ و $GFI=0/95$ و $CFI=0/93$ ، به‌دست آمد که بیانگر روایی مطلوب زیرمقیاس‌ها در سنجش باورهای فراشناختی است (۱۷). ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس در نسخه فارسی توسط رحیمیان و واعظ موسوی، ۹۱ درصد گزارش شد. روایی نسخه فارسی نیز توسط این پژوهشگران با تحلیل عاملی تأییدی بررسی و تأیید شد. شاخص‌های معناداری تحلیل عاملی در این پژوهش $CFI=0/94$ ، $IFI=0/94$ ، $NFI=0/93$ و $GFI=0/96$ به‌دست آمد (۱۸).

مدیریت استرس و پانزده زوج در گروه آزمایش درمان مبتنی بر کیفیت زندگی و پانزده زوج در گروه گواه قرار گرفتند. برای گروه آزمایش اول مداخله درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و برای گروه آزمایش دوم درمان مبتنی بر کیفیت زندگی اجرا شد؛ اما برای گروه گواه هیچ‌گونه مداخله‌ای صورت نگرفت. معیارهای ورود آزمودنی‌ها به پژوهش عبارت بود از: داشتن سن ۴۸ تا ۲۰ سال؛ دارا بودن سواد خواندن و نوشتن؛ داشتن سابقه زندگی مشترک بین ۱۵ تا ۲ سال. معیارهای خروج، شرکت نکردن در بیش از دو جلسه درمان و تمایل نداشتن برای ادامه مشارکت در پژوهش و مصرف هم‌زمان داروهای روان‌پزشکی درحین پژوهش در نظر گرفته شد. ازجمله ملاحظات اخلاقی این پژوهش رضایت آگاهانه برای مشارکت در پژوهش، آگاهی از هدف پژوهش، آزادی در ترک پژوهش و آموزش مدیریت استرس به گروه گواه در پایان پژوهش بود. ابزارها و جلسات درمانی زیر در پژوهش استفاده شد. - پرسش‌نامه باورهای فراشناختی^۱: این پرسش‌نامه توسط ولز و کاتریت-هاتون در سال ۲۰۰۴ تدوین شد (۱۷). این ابزار، مقیاس

جدول ۱. خلاصه جلسات درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس

جلسه	عناوین	تکنیک‌های آموزشی
اول	معرفی برنامه، استرس‌زاها و پاسخ‌های استرس، آرمیدگی عضلانی تدریجی	معرفی رهبر گروه، ارائه اطلاعات کلی برنامه و هدف، توضیح درباره اصل رازداری، بررسی استرس‌زاها، تأثیرات جسمی استرس، پیامدهای احتمالی استرس مزمن بر سلامت، آموزش آرمیدگی و اجرای آرمیدگی عضلانی تدریجی برای شانزده گروه ماهیچه‌ای و ارائه بازخورد
دوم	آرمیدگی عضلانی تدریجی، استرس و آگاهی	آموزش آرمیدگی عضلانی تدریجی برای هشت گروه ماهیچه‌ای، تکمیل چک‌لیست نشانه‌های استرس، مرور تأثیرات استرس و افزایش آگاهی از نشانه‌های جسمی استرس
سوم	تنفس، تصویرسازی، آرمیدگی عضلانی تدریجی، ارتباط افکار و هیجانات	معرفی تنفس دیاگرامی، آموزش آرمیدگی عضلانی تدریجی برای چهار گروه ماهیچه‌ای، تمرین تصویرسازی و آرمیدگی، مرور نشانه‌ها و تأثیرات استرس، بررسی ارتباط بین افکار و احساسات، تمرین قدرت فکر
چهارم	تنفس، تصویرسازی، آرمیدگی عضلانی تدریجی منفعل، تفکر منفی و تحریفات شناختی	ترکیب تنفس دیافراگمی با تصویرسازی، آرمیدگی عضلانی تدریجی منفعل (به‌این معنا که هیچ ماهیچه‌ای را منقبض نمی‌کنند) همراه با تصویرسازی مکان خاص، بررسی تفکر منفی و تحریفات شناختی، تأثیر تفکر منفی بر رفتار، تمرین شناسایی افکار منفی
پنجم	آموزش خودزاد برای سنگینی و گرما، جایگزینی افکار منطقی	معرفی آموزش خودزاد و ارائه دستورعمل‌های آن، اجرای آموزش خودزاد برای سنگینی و گرما، بررسی تفاوت بین خودگویی منطقی و غیرمنطقی، معرفی گام‌های جایگزینی افکار منطقی، تمرین جایگزینی افکار منطقی
ششم	آموزش خودزاد برای ضربان قلب، تنفس، شکم و پیشانی، مقابله کارآمد	معرفی تنفس دیافراگمی، اجرای آموزش خودزاد برای ضربان قلب، تنفس، شکم و پیشانی، بحث درباره یکپارچه‌کردن مدیریت استرس و آرمیدگی، ارائه تعریفی از مقابله، معرفی انواع مقابله کارآمد و ناکارآمد، بحث درباره راهبردهای مقابله‌ای
هفتم	آموزش خودزاد همراه با تصویرسازی و خودالقای، اجرای پاسخ‌های مقابله‌ای مؤثر	اجرای تمرین خودزادها همراه با تصویرسازی بصری و خودالقای‌های مثبت، اجرای مراقبه نور خورشید همراه با خودزادها، معرفی گام‌های مقابله‌ای مؤثر، انجام تمرین مقابله‌ای کارآمد، معرفی تکنیک نرم‌کردن برای استرس‌زاهای طاقت‌فرسا و انجام تمرین آن
هشتم	مراقبه مانترا، مدیریت خشم	معرفی مراقبه، ارائه حالات بدنی مراقبه و اجرای مراقبه مانترا، بحث در زمینه فواید تمرین منظم، بحث درباره مفهوم خشم و پاسخ‌های خشم، کمک به خودآزمایی اعضا از خشم، بحث درباره خشم و آگاهی، آموزش مدیریت خشم
نهم	مراقبه شمارش تنفس، آموزش ابرازگری	اجرای مراقبه شمارش تنفس و مراقبه نور خورشید همراه با خودزادها، معرفی سبک‌های بین‌فردی، بحث درباره موانع رفتار ابرازگونه، ارائه مؤلفه‌های ارتباط ابرازگرانه، بحث درباره استفاده از حل مسئله برای تعارض‌ها، بررسی گام‌های رفتار ابرازگرانه‌تر
دهم	تصویرسازی و مراقبه، حمایت اجتماعی و مرور برنامه	مرور برنامه، مرور تمرین‌های آرمیدگی، اجرای تمرین تصویرسازی صحنه ساحل و مراقبه شمارش تنفس، بحث درباره حمایت اجتماعی و فواید آن، بحث در زمینه موانع حفظ اجتماعی، آموزش تکنیک‌های مدیریت استرس برای حفظ حمایت اجتماعی، مرور کل برنامه، کمک به اعضای گروه در ایجاد یک برنامه مدیریت استرس شخصی

^۱. Metacognitive Beliefs Questionnaire

جدول ۲. خلاصه جلسات درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی

جلسه	عناوین	تکنیک‌های آموزشی
اول	معارفه و آشنایی اعضای گروه با یکدیگر، تعریف نقش کیفیت زندگی در سلامت روانی و کاهش پرخاشگری ذهنی افراد، معرفی درمان مبتنی بر کیفیت زندگی و رویکردهای جدید درمانی در روان‌شناسی	آموزش مدل پنج‌راهه CASIO، تعیین رئوس و ساختار کلی جلسات، تکمیل نیم‌رخ کیفیت زندگی به صورت فردی، توافق بر حوزه‌های مهم از بین شانزده حوزه مشخص شده در درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، دریافت بازخورد
دوم	تعیین دستور جلسه، بررسی نقش باورهای فراشناخت در امیدواری و سلامت روانی، تعریف عزت نفس	براساس مدل درمان مبتنی بر کیفیت زندگی اولین راه موفقیت در دستیابی به عزت نفس: کمک به بهبود عزت نفس افراد از طریق عمل کردن بر طبق استانداردهای مدنظر افراد در حوزه‌های ارزشمند زندگی خود و از این طریق، افزایش رضایت خاطر، آموزش و ارائه تکلیف «یادداشت موفقیت» برای اجرا در منزل دومین راه موفقیت در دستیابی عزت نفس: مسیر «لطفاً سؤال نکنید!!!» سومین راه موفقیت در دستیابی عزت نفس: مسیر خودپذیری چهارمین راه موفقیت در دستیابی به عزت نفس: روابط اجتماعی سودبخش پنجمین راه موفقیت در دستیابی به عزت نفس: یاری‌رسانی، آموزش و ارائه تکنیک BAT برای تکمیل در منزل آموزش استفاده از «لیست توانایی‌ها»، دریافت بازخورد
سوم	تعیین دستور جلسه، مروری کوتاه بر جلسه قبل و بررسی تکالیف جلسه قبل، تعریف سلامتی مطابق درمان مبتنی بر کیفیت زندگی	ارتباط شادکامی با سلامت روانی و جسمانی، بررسی عادات غلط درباره سلامتی، آموزش تمرین «سبد تخم مرغ» ^۱ برای تکمیل در منزل، آموزش برنامه شش مرحله‌ای کنترل عادات، مطابق با دستورعمل درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، آموزش برنامه‌ریزی روزانه (DAP)، بررسی روند کمک به مسائل مزمن بهداشتی، اصل «پذیرش چیزهایی که نمی‌توانیم تغییر دهیم»، دریافت بازخورد
چهارم	تعیین دستور جلسه، مروری کوتاه بر جلسه قبل و بررسی تکالیف جلسه قبل، آشنایی با نقش اهداف، ارزش‌ها و زندگی معنوی در رضایت از زندگی	مشخص کردن فلسفه زندگی، اجرای تمرین هدف‌یابی ^۲ ، آموزش تکنیک نمایشنامه زندگی ^۳ ، کارکردهای مذهبی و معنوی بودن، آشنایی با اصول تعیین هدف، دریافت بازخورد
پنجم	تعیین دستور جلسه، مروری کوتاه بر جلسه قبل و بررسی تکالیف جلسه قبل، تعریف ارتباط در درمان مبتنی بر کیفیت زندگی	آموزش انگاره‌های اصلی ارتباط در درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، آموزش مهارت‌های ارتقای رضایت خاطر از ارتباط، آموزش فن نامه‌نگاری ۱ و ۲، آشنایی و آموزش استفاده از فرهنگ لغات احساسات، دریافت بازخورد
ششم	تعیین دستور جلسه، مروری کوتاه بر جلسه قبل و بررسی تکالیف جلسه قبل، تعریف یادگیری در درمان مبتنی بر کیفیت زندگی	آموزش مراحل پنج‌گانه برای افزایش یادگیری (در حیطه‌های علاقه‌مندی)، آموزش مهارت‌های مطالعه و یادگیری، دریافت بازخورد
هفتم	تعیین دستور جلسه، مروری کوتاه بر جلسه قبل و بررسی تکالیف جلسه قبل، آموزش تفاوت بین «فعالیت‌های باید و خواستن»، نیاز به بازی و تفریح یعنی چه؟	مشخص کردن بازی‌های مخرب کیفیت زندگی، بررسی رابطه شادی و تفریح، گام‌های مؤثر برای برقراری عادت کردن به بازی و تفریح، آموزش و ارائه تکلیف لیست بازی‌ها برای تکمیل در منزل، دریافت بازخورد
هشتم	تعیین دستور جلسه، مروری کوتاه بر جلسه قبل و بررسی تکالیف جلسه قبل، آموزش استفاده از فرم استرس‌های شخصی و چک‌لیست اضطرابی عود به منظور حفظ نتایج درمان درخصوص درمان مبتنی بر کیفیت زندگی	مروری بر مدل CASIO و تأیید بر استفاده از آن در تمام زندگی، پرسش و پاسخ، انجام پس‌آزمون

را اندازه‌گیری می‌کند. شیوه نمره‌گذاری روی مقیاس پنج نقطه‌ای لیکرت
از کاملاً متفاوت از من=۱ تا کاملاً شبیه من=۵ است. دامنه نمرات از
۲۹ تا ۱۴۵ است. نمرات بیشتر، پرخاشگری بیشتر را نشان می‌دهد.
به جز سؤالات ۱۵ و ۲۴، بقیه سؤالات به صورت مستقیم نمره‌گذاری

– پرسش‌نامه پرخاشگری^۴: این پرسش‌نامه توسط باس و پری در سال
۱۹۹۲ تدوین شد (۱۹). این ابزار دارای ۲۹ سؤال است و چهار جنبه
از پرخاشگری شامل پرخاشگری فیزیکی (نُه سؤال)، پرخاشگری
کلامی (پنج سؤال)، خشم (هفت سؤال) و خصومت (هشت سؤال)

^۳ Life script

^۴ Aggression Questionnaire

^۱ Basket of eggs

^۲ Vision quest

بررسی نظر پانزده متخصص در زمینه‌های روان‌شناسی، روان‌پزشکی، سالمندی تأیید کرد. پس از آن پژوهش‌های مختلفی روی این پروتکل در گروه‌های سالمندی، اختلالات بالینی، روابط بین فردی و بیماری‌های جسمانی صورت گرفت (۱۶). محتوای جلسات درمانی این رویکرد در جدول ۲ آورده شده است.

داده‌های پژوهش به کمک آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر و آزمون تعقیبی بونفرونی نیز به منظور بررسی تفاوت بین سطوح اندازه‌گیری داده‌ها با در نظر گرفتن سطح معناداری ۰/۰۵ در نرم افزار SPSS تحلیل شدند.

۳ یافته‌ها

در گروه درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس با دامنه سنی ۲۰ تا ۵۵ سال، میانگین سنی ۳۵/۷ و انحراف استاندارد ۸/۱۶ سال بود. در این گروه ۱۱/۱ درصد تحصیلات کمتر از دیپلم، ۳۳/۳ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۳۳/۳ درصد لیسانس و ۲۲/۲ درصد فوق لیسانس و بیشتر داشتند. در گروه درمان مبتنی بر کیفیت زندگی با دامنه سنی ۵۱ تا ۵۱، میانگین سنی ۳۶/۹ و انحراف استاندارد ۷/۲۴ سال بود. در این گروه ۸/۴ درصد تحصیلات کمتر از دیپلم، ۲۹/۱ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۳۸/۷ درصد لیسانس و ۲۸/۲۳ درصد فوق لیسانس و بیشتر داشتند. در گروه گواه با میانگین سنی ۵۴ تا ۵۴ سال، میانگین سنی ۳۴/۴ و انحراف استاندارد ۶/۷۹ سال بود. در این گروه ۲۱/۶ درصد تحصیلات کمتر از دیپلم، ۲۰/۳ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۴۶/۷ درصد لیسانس و ۱۱/۴ درصد فوق لیسانس و بیشتر داشتند. در جدول ۳ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش آورده شده است.

می‌شود (۱۹). پرسش‌نامه پرخاشگری باس و پری در نسخه اصلی ضریب همسانی درونی ۰/۸۹ را به دست آورد. پایایی این پرسش‌نامه در مقیاس اصلی ۰/۹۰ بود (۱۹). در نسخه فارسی که توسط سامانی بررسی شد، ضریب آلفا برای مؤلفه‌های پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۲، ۰/۸۳ و ۰/۷۷ و ضریب آلفای کل نمرات پرسش‌نامه ۰/۸۹ به دست آمد. پرسش‌نامه پرخاشگری باس و پری، ابزاری باثبات با پایایی بازآزمایی مطلوب است. همبستگی بازآزمایی بعد از یک دوره نه هفته‌ای برابر با ۰/۸۰ برای کل نمرات پرسش‌نامه به دست آمد (۲۰).

– جلسات درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس براساس راهنمای عملی درمان شناختی رفتاری مدیریت استرس تألیف آنتونی و همکاران انجام پذیرفت. این پروتکل براساس مطالعات آنتونی و همکاران با در نظر گرفتن پژوهش‌های پیشین در سال ۲۰۰۷ تدوین شد (۲۱). تدوینگران به منظور بررسی روایی این پروتکل آن را در اختیار ۲۶ نفر از درمانگران و متخصصان با رویکرد شناختی رفتاری قرار دادند تا درباره محتوای آن نظر دهند. پس از تأیید روایی آن باتوجه به نظر پژوهشگران، این پروتکل به منظور کاهش استرس ابتدا در اختلال هراس و سپس در سایر اختلالات بالینی و مشکلات بین فردی بررسی و تأیید شد. محتوای جلسات درمانی این رویکرد در جدول ۱ آورده شده است.

– جلسات درمانی کیفیت زندگی براساس روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی فریش اجرا شد (۱۶). فریش در سال ۲۰۰۶ محتوا و ساختار این پروتکل را براساس ساختار و تکنیک‌های درمان شناختی رفتاری تدوین کرد؛ همچنین او ضریب روایی محتوایی (CVR) آن را در

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری متغیرهای باورهای فراشناختی و پرخاشگری

متغیر	زمان	آزمایش ۱		آزمایش ۲		گواه
		درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس	درمان مبتنی بر کیفیت زندگی	درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس	درمان مبتنی بر کیفیت زندگی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار
نمره کل باورهای فراشناختی	پیش‌آزمون	۷۸/۲۴	۶/۲۵	۷۵/۴۹	۹/۱۰	۸/۶۴
	پس‌آزمون	۶۱/۱۴	۷/۴۴	۶۵/۲۶	۸/۷۱	۶/۵۳
	پیگیری	۶۳/۵۴	۶/۱۳	۶۴/۸۷	۶/۱۶	۸/۱۹
باورهای نگرانی	پیش‌آزمون	۱۴/۴۰	۲/۶۴	۱۴/۵۳	۲/۷۲	۲/۶۶
	پس‌آزمون	۱۱/۷۳	۱/۷۰	۱۲/۲۶	۱/۹۰	۲/۶۴
	پیگیری	۱۲/۰۰	۱/۷۳	۱۲/۷۳	۱/۹۱	۲/۶۴
باورهای فراشناختی منفی	پیش‌آزمون	۱۵/۳۹	۲/۶۴	۱۵/۵۳	۲/۷۲	۲/۶۶
	پس‌آزمون	۱۱/۲۶	۱/۴۳	۱۳/۲۰	۱/۷۴	۲/۷۷
	پیگیری	۱۳/۴۶	۳/۱۳	۱۳/۹۳	۲/۰۱	۲/۷۷
کارآمدی شناختی پایین	پیش‌آزمون	۱۷/۴۰	۲/۶۴	۱۷/۵۳	۲/۷۲	۲/۶۶
	پس‌آزمون	۱۳/۲۰	۲/۲۷	۱۴/۸۰	۲/۷۳	۱۷/۴۰
	پیگیری	۱۳/۸۶	۲/۳۵	۱۶/۶۰	۳/۵۰	۱۷/۲۶
باورهای منفی درمورد افکار	پیش‌آزمون	۱۳/۴۰	۲/۶۴	۱۳/۵۳	۲/۷۳	۲/۶۳
	پس‌آزمون	۱۰/۲۶	۰/۸۸۴	۱۵/۷۳	۳/۴۷	۲/۶۴
	پیگیری	۱۱/۳۳	۱/۹۵	۱۱/۴۰	۱/۶۸	۲/۶۲

۲/۶۶	۱۸/۴۶	۲/۷۲	۱۸/۵۳	۲/۶۴	۱۸/۴۰	پیش‌آزمون	خودآگاهی شناختی
۲/۷۱	۱۸/۳۳	۲/۷۴	۱۴/۵۳	۱/۵۲	۱۳/۲۰	پس‌آزمون	
۲/۷۰	۱۸/۳۰	۲/۷۸	۱۸/۲۶	۱/۳۷	۱۴/۲۰	پیگیری	
۷/۱۷	۶۹/۴۱	۶/۱۴	۷۰/۲۹	۴/۸۸	۶۹/۵۸	پیش‌آزمون	نمره کل پرخاشگری
۸/۱۹	۶۸/۵۱	۵/۱۸	۵۵/۲۹	۵/۷۴	۵۳/۸۷	پس‌آزمون	
۷/۱۱	۶۹/۳۶	۶/۱۹	۶۸/۲۸	۵/۳۹	۶۷/۴۵	پیگیری	
۲/۳۴	۱۵/۲۶	۲/۳۸	۱۵/۴۶	۲/۳۵	۱۵/۴۰	پیش‌آزمون	پرخاشگری فیزیکی
۲/۲۳	۱۴/۸۶	۲/۶۵	۱۳/۷۳	۱/۹۸	۱۲/۲۶	پس‌آزمون	
۲/۱۷	۱۵/۲۰	۲/۲۸	۱۵/۳۳	۲/۰۵	۱۵/۰۶	پیگیری	
۱/۵۵	۱۲/۴۶	۱/۶۲	۱۲/۷۳	۱/۵۴	۱۲/۶۶	پیش‌آزمون	پرخاشگری کلامی
۱/۳۹	۱۲/۳۳	۱/۷۲	۹/۸۶	۱/۴۳	۹/۷۳	پس‌آزمون	
۱/۵۹	۱۲/۴۰	۱/۵۹	۱۲/۵۳	۱/۴۰	۱۲/۴۰	پیگیری	
۲/۳۸	۲۰/۴۶	۲/۳۴	۲۰/۷۳	۲/۴۴	۲۰/۵۳	پیش‌آزمون	خشم
۲/۴۱	۲۰/۳۳	۲/۳۱	۱۶/۲۳	۲/۲۳	۱۶/۵۴	پس‌آزمون	
۲/۳۷	۲۰/۴۶	۲/۲۶	۲۰/۵۵	۲/۵۸	۲۰/۴۰	پیگیری	
۲/۶۵	۲۱/۹۳	۲/۵۷	۲۱/۹۳	۲/۶۵	۲۱/۹۳	پیش‌آزمون	خصوصیت
۳/۰۴	۲۱/۴۶	۱/۹۸	۱۸/۲۶	۱/۶۴	۱۷/۴۶	پس‌آزمون	
۲/۶۴	۲۱/۹۰	۲/۳۱	۲۱/۰۶	۲/۳۳	۲۰/۸۰	پیگیری	

می‌توان گفت، شرط نرمال بودن توزیع داده‌ها برقرار بود. به‌منظور بررسی همگنی واریانس متغیرهای پژوهش از آزمون لون استفاده شد. براساس نتایج آزمون لون، واریانس متغیرهای پژوهش همگن بود (باورهای فراشناخت $p=0/09$ ، پرخاشگری $p=0/11$)؛ بنابراین پیش‌فرض مربوط به همگنی واریانس متغیرهای پژوهش رعایت شد. به‌منظور بررسی پیش‌فرض همگنی ماتریس‌های واریانس‌کواریانس، آزمون ام‌باکس به‌کار رفت. نتایج آزمون ام‌باکس برای نمرات مربوط به هر دو متغیر باورهای فراشناختی و پرخاشگری معنادار نبود ($p>0/05$)؛ بنابراین شرط همگنی ماتریس‌های واریانس‌کواریانس به‌تأیید رسید.

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، میانگین نمرات متغیرهای باورهای فراشناختی و پرخاشگری در هر دو گروه آزمایش از پیش‌آزمون به پس‌آزمون کاهش یافت و در مرحله پیگیری تغییر چندانی نداشت؛ همچنین میانگین نمرات متغیرهای باورهای فراشناختی و پرخاشگری در گروه گواه در سه مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری تغییر چندانی نداشت. به‌منظور بررسی معناداری تفاوت میانگین‌ها، آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر به‌کار رفت. قبل از اجرای این آزمون پیش‌فرض‌های آن بررسی شد. آزمون کولموگروفا سمینف برای هیچ‌کدام از داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش معنادار نبود (باورهای فراشناخت $p=0/16$ ، پرخاشگری $p=0/23$)؛ براین اساس

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای مقایسه متغیرهای باورهای فراشناختی و پرخاشگری در گروه‌های آزمایش و گروه گواه

متغیر	منبع اثر	F	P	اندازه اثر
باورهای فراشناختی	زمان	۲۹/۱۶۵	$<0/001$	۰/۳۱۶
	زمان*گروه	۸/۴۷۷	$<0/001$	۰/۲۱۲
	گروه	۸/۴۱	۰/۰۱۲	۰/۲۴۷
پرخاشگری	زمان	۱۶/۷۸۸	$<0/001$	۰/۲۱۰
	زمان*گروه	۷/۸۴۷	$<0/001$	۰/۱۹۹
	گروه	۶/۲۸	۰/۰۱۶	۰/۲۳۰

از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

در جدول ۵ مقایسه‌های زوجی به‌منظور بررسی تفاوت بین نمرات متغیر باورهای فراشناختی در طی مراحل درمان، برای هر یک از گروه‌های درمان شناختی-رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی و گروه گواه آورده شده است.

باتوجه به نتایج ارائه‌شده در جدول ۴، اثر زمان بر هر دو متغیر باورهای فراشناختی و پرخاشگری ($p<0/001$) و اثر گروه بر هر دو متغیر باورهای فراشناختی ($p=0/012$) و پرخاشگری ($p=0/016$) معنادار بود. این موضوع مشخص می‌کند، در متغیرهای مذکور بین دو گروه آزمایش و گروه گواه میانگین‌های سه مرحله اندازه‌گیری (پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری) با همدیگر تفاوت معناداری داشتند. به‌منظور بررسی دقیق‌تر تفاوت بین مراحل سه‌گانه برای مقایسه اثربخشی مداخله

جدول ۵. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه میانگین متغیرها در سه مرحله اندازه‌گیری

متغیر	گروه	مرحله (i)	مرحله (j)	اختلاف میانگین	خطای معیار	p
باورهای فراشناختی	گواه	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۱/۴۱۴	۱/۱۲۴	۰/۶۳۹
		پیش‌آزمون	پیگیری	-۱/۱۳۲	۰/۹۷۰	۰/۵۹۴
		پس‌آزمون	پیگیری	۰/۲۸۲	۰/۶۳۹	۱
	درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۷/۶۸۲	۱/۱۲۴	<۰/۰۰۱
		پیش‌آزمون	پیگیری	-۶/۳۱۴	۰/۸۷۰	<۰/۰۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	۱/۳۶۸	۰/۶۳۹	۰/۱۰۹
	درمان مبتنی بر کیفیت زندگی	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۲/۲۸۶	۱/۱۲۴	<۰/۰۰۱
		پیش‌آزمون	پیگیری	-۱/۲۵۵	۰/۸۷۰	<۰/۰۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	۱/۰۳۲	۰/۶۳۹	۰/۳۳۴
پرخاشگری	گواه	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۰/۱۸۲	۰/۶۳۲	۱
		پیش‌آزمون	پیگیری	۰/۳۴۵	۰/۶۳۳	۱
		پس‌آزمون	پیگیری	۰/۵۲۷	۰/۲۸۷	۰/۲۱۳
	درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۱/۳۰۵	۰/۶۳۲	<۰/۰۰۱
		پیش‌آزمون	پیگیری	-۰/۷۷۷	۰/۶۳۳	<۰/۰۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	۰/۵۲۷	۰/۲۸۷	۰/۲۱۳
	درمان مبتنی بر کیفیت زندگی	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۳/۹۵۵	۰/۶۶۲	<۰/۰۰۱
		پیش‌آزمون	پیگیری	-۳/۲۹۵	۰/۶۳۳	<۰/۰۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	۰/۶۵۹	۰/۲۸۷	۰/۰۷۵

گذشت زمان نشان داد ($p > ۰/۰۵$).

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر، مقایسه اثربخشی درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بر باورهای فراشناختی و پرخاشگری زوجین متقاضی طلاق بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد، در متغیر باورهای فراشناختی در گروه درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و گروه درمان مبتنی بر کیفیت زندگی با گروه گواه تفاوت معناداری وجود داشت و این نکته بیانگر اثربخشی هر دو روش درمانی است؛ همچنین براساس میانگین نمرات، بین دو روش درمانی در همه مؤلفه‌ها به جز باورهای نگرانی تفاوت چشمگیری وجود داشت و درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس مؤثرتر بود. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های زیر همسوست: رحمانی و همکاران دریافتند، مدیریت استرس شناختی‌رفتاری به همراه تکنیک‌های ذهن‌آگاهی بر بهبود باورهای فراشناختی منفی مؤثر است (۷)؛ در پژوهش خانجانی و همکاران مشخص شد، استفاده از تکنیک‌های مدیریت استرس شناختی‌رفتاری می‌تواند به کاهش پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کلامی منجر شود (۱۵)؛ فریش در تحقیقات خود به منظور طراحی پروتکل درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، این درمان را در بهبود شناخت‌واره‌های مثبت و کاهش احساس خصومت و پرخاشگری مؤثر دانست (۱۶).

مبانی شناختی درمان شناختی‌رفتاری زوجین، درک زوجین از یکدیگر را برجسته می‌کند و درک را جزء جدایی‌ناپذیر تغییر در زوجین می‌داند. درنهایت، شالوده فلسفی این درک آن است که تغییر در رفتار به‌تنهایی

براساس نتایج، در متغیر باورهای فراشناختی در هر دو گروه درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، تفاوت بین میانگین نمرات پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری معنادار بود ($p < ۰/۰۰۱$). با مقایسه میانگین نمرات در سه مرحله مشاهده شد، در گروه درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و گروه درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، نمرات متغیر باورهای فراشناختی در پس‌آزمون و پیگیری درمقایسه با پیش‌آزمون به‌طور معناداری کاهش یافت ($p < ۰/۰۰۱$)؛ این کاهش بیانگر اثربخشی درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بر باورهای فراشناختی گروه‌های آزمایش بود؛ همچنین تفاوت بین میانگین نمرات پس‌آزمون با پیگیری در دو گروه آزمایش معنادار نبود که ثبات اثرات درمان را با گذشت زمان نشان داد ($p > ۰/۰۵$).

براساس نتایج، در متغیر پرخاشگری در هر دو گروه درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، تفاوت بین میانگین نمرات پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری معنادار بود ($p < ۰/۰۰۱$). با مقایسه میانگین نمرات در سه مرحله مشاهده شد، در گروه درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و گروه درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، نمرات متغیر پرخاشگری در پس‌آزمون و پیگیری درمقایسه با پیش‌آزمون به‌طور معناداری کاهش یافت ($p < ۰/۰۰۱$)؛ این کاهش بیانگر اثربخشی درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بر پرخاشگری گروه‌های آزمایش بود؛ همچنین تفاوت بین میانگین نمرات پس‌آزمون با پیگیری در دو گروه آزمایش معنادار نبود که ثبات اثرات درمان را با

برای اصلاح تعاملات ناکارآمد کافی نیست و باید بر نحوه تفکر افراد درباره روابط خود و الگوهای رفتاری ناسازگارشان تأکید شود (۲۲). در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، یکی از متغیرهایی که به نظر می‌رسد با راهبردهای مقابله با استرس زوجین رابطه دارد، باورهای فراشناخت است. طبق دیدگاه فراشناخت، نگرانی از باورهای اجتماعی منفی نشئت نمی‌گیرد؛ بلکه از دانش اساسی جداگانه‌ای مشتق می‌شود که همان فراشناخت است و سیستم شناختی فرد را کنترل می‌کند. طبق این تئوری، الگوی ناپهنجار نتیجه فعال‌سازی باورهای فراشناختی است که این باورها در اختلالاتی مثل استرس وجود دارد (۲۳). رویدادهای بالقوه استرس‌زا زمانی در زندگی افراد تأثیر منفی می‌گذارد که نگرانی ناشی از آن‌ها تهدیدکننده مهم و کنترل‌نشده‌ای ارزیابی شود (۱۵). ازطرفی مدیریت استرس توانایی افراد را برای کاهش استرس و سازگاری مناسب با موقعیت‌های استرس‌آور افزایش می‌دهد. این مداخله مرکب از عناصری از قبیل افزایش آگاهی درباره استرس، آموزش تن‌آرامی، شناسایی افکار ناکارآمد، بازسازی شناختی، آموزش حل مسئله، آموزش مهارت‌های ابراز وجود، مدیریت خشم، مدیریت خود و برنامه‌ریزی فعالیت‌ها است (۱۴)؛ بنابراین به نظر می‌رسد آموزش مدیریت استرس به افراد بر سایر متغیرهای روان‌شناختی مانند باورهای فراشناختی نیز تأثیر داشته باشد (۲۴). مداخله شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس با آموزش تکنیک‌های رفتاری همچون آرام‌سازی، به زوجین کمک می‌کند که به‌کارگیری این فنون تنش‌های روانی را در خود کاهش دهند و سطح هیجانات منفی و باورهای منفی فراشناختی خود را کنترل کنند (۲۵).

در مداخله شناختی استفاده‌شده در این پژوهش، تلاش شد زوجین با افکار منفی خودکار آشنایی پیدا کنند و با آموزش و تمرین نحوه اصلاح افکار منفی، خودگویی مثبت را فراگیرند تا در موقعیت‌های واقعی زندگی آن‌ها را به‌کار برند. به این ترتیب، زوجین به کمک تکنیک‌های شناختی‌رفتاری با تأثیرات مخرب عواطف منفی در زندگی آشنا می‌شوند و برای کاهش عواطف منفی و در نتیجه، کاهش باورهای منفی فراشناختی در خود، انگیزه تغییرات را پیدا می‌کنند و برای زندگی عاری از هرگونه تنش تلاش می‌کنند (۲۳). در درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، اصول و مهارت‌های معطوف به کمک، به مراجعان در شناسایی، دنبال کردن و برآوردن نیازها، اهداف و آرزوها در حوزه‌های بالارزش زندگی آموزش داده می‌شود. مداخله‌ها در این روش، تنها بر خود فرد، تمرکز ندارد؛ بلکه بر کمک به درمان‌جویان برای تحول پیدا کردن، به وسیله یادگیری، همدردی و محبت‌ورزیدن تمرکز می‌کند (۱۴). این رویکرد بر نیاز درمان‌جویان، به منظور روشن کردن ارزش‌های مهم زندگی‌شان و سپس پرداختن به تجربیات آن‌ها برای تمرکز کردن و رسیدن به ارزش‌هایشان تأکید دارد (۲۴). این رویکرد به دنبال ایجاد و افزایش حمایت اجتماعی و ارتباطات اجتماعی بیشتر در افراد، داشتن دوستان بیشتر، کسب درآمد بیشتر، عملکرد شغلی بهتر و در نهایت، سلامت روانی و سلامت جسمانی بهتر در افراد، از طریق ایجاد رضایت از زندگی و شادمانی بیشتر در مقایسه با افراد دارای شادمانی کمتر است (۱۶)؛ در نتیجه این رویکرد با مداخلات خود می‌تواند باورهای فراشناختی منفی را بهبود بخشد.

درباره متغیر پرخاشگری نتایج پژوهش حاضر بیانگر اثربخشی درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس و درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بر کاهش پرخاشگری زوجین ارجاعی متقاضی طلاق بود. براساس میانگین نمرات، بین اثربخشی دو روش درمانی فقط در مؤلفه پرخاشگری فیزیکی تفاوت چشمگیری مشاهده شد و در سایر مؤلفه‌های مربوط به پرخاشگری بین اثربخشی دو روش تفاوتی چشمگیر وجود نداشت. در تبیین اثربخشی درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس بر کاهش پرخاشگری زوجین می‌توان گفت، مداخلات مربوط به درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس، بسته‌ای راهبردی است که شامل ترکیبی از عناصری از قبیل افزایش آگاهی درباره استرس، بازسازی شناختی، آموزش تن‌آرامی و مراقبه، آموزش مهارت‌های ابرازگری، افزایش شبکه حمایت اجتماعی و مدیریت خشم می‌شود (۱۰). اجرای روش‌های مدیریت استرس باعث می‌شود از ابتدا، جلوی مشکلات در زندگی زناشویی از جمله پرخاشگری گرفته شود؛ به علاوه به واسطه انجام تمرین‌های مدیریت استرس، فرد درباره کارکردهای خودکار ذهن و فعالیت‌های روزمره آگاهی پیدا می‌کند و زمینه لازم برای آگاهی لحظه‌به‌لحظه از افکار و احساسات و به تبع کنترل آن‌ها فراهم می‌آید (۲۱). همچنین می‌توان گفت، افزایش توجه و آگاهی درباره افکار و هیجانات و تمایلات عملی، از پیامدهای مثبت درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس است و تمرینات سبب هماهنگ شدن رفتارهای سازگارانه و حالت‌های روان‌شناختی مثبت خواهد شد (۲۶). از نگاهی دیگر نیز آشنایی با مبانی زیستی و شناختی خشم و نوع واکنش‌هایی که افراد عموماً در مواقع خشم ابراز می‌کنند، موجب افزایش خودآگاهی مثبت و ایجاد انگیزه برای کنترل بیشتر بر رفتار و کلام و خشم می‌شود که در درمان مبتنی بر مدیریت استرس به این موضوعات توجه ویژه‌ای شده است. آشنایی با سازه خشم، میزان خودآگاهی رفتاری زوجین را افزایش می‌دهد و این امر ایجاد انگیزش در جهت کاهش پرخاشگری را به دنبال دارد؛ زیرا آن‌ها متوجه می‌شوند وجود صرف محرک‌های بیرونی مانند کلام، صحبت، سرزنش یا طعنه دیگران، سبب آغاز پرخاشگری در آنان نیست؛ بلکه نوع برداشت و دیدگاه‌شان در قبال خود و دیگران و حالت برانگیختگی جسمانی قبلی خود آن‌ها نیز می‌تواند در بروز واکنش‌های پرخاشگرانه دخیل باشد. در مراحل شش و هفت آموزش مدیریت استرس، زوجین آموزش دیدند که چگونه با تکنیک‌های آرام‌سازی بتوانند از رفتارهای پرخاشگرانه مصون بمانند (۲۰).

در تبیین اثربخشی درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بر کاهش پرخاشگری زوجین متقاضی طلاق می‌توان گفت، عوامل استرس‌زا نیروهایی هستند که ایجاد تعارض و پرخاشگری در رابطه را در پی دارند. زمانی که افراد با استرس مواجه می‌شوند، عواطف منفی شده و این امر به نوبه خود موجب پرخاشگری می‌شود. در این شرایط اگر افراد از سبک‌های مقابله با استرس استفاده کنند، می‌توانند سطح پرخاشگری خود را کاهش دهند. مدیریت استرس بر توانایی افراد برای کاهش استرس و سازگاری مناسب با موقعیت‌های استرس‌آور می‌افزاید. شواهد حاکی از آن است که زوج‌های تحت استرس، زوج‌های پرخاشگری نیز هستند (۲۷). زوجین ضمن آشنایی با تغییرات زیستی

دوران درخواست طلاق، به همکاری در پژوهش رضایت دادند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی نویسنده اول است. تمامی افراد به شکل کتبی اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در آن مشارکت کردند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده می‌شوند. به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد. همچنین پروتکل پژوهش در کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام به تصویب رسید.

رضایت برای انتشار

داده‌های جمع‌آوری شده در پژوهش حاضر به هیچ سازمان یا ارگانی تحویل داده نمی‌شود؛ اما به شکل خام در اختیار محقق است تا مراکز مربوط رسمی (مثل دانشگاه) بتوانند برای صحت‌سنجی در صورت لزوم از آن استفاده کنند.

دردسترس بودن داده‌ها و مواد

همه نویسندگان مقاله به داده‌های پژوهش دسترسی دارند که در اختیار آن‌ها گذاشته شده است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع مالی

تأمین منابع مالی از هزینه‌های شخصی بوده و توسط هیچ نهاد یا سازمانی صورت نگرفته است.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان در تهیه پیش‌نویس مقاله و بازبینی و اصلاح مقاله حاضر، سهم یکسانی داشتند.

و هورمونی پایه پرخاشگری در روند آموزش، شیوه‌های مؤثر مقابله با پرخاشگری مثل ابزار وجود، جرئت‌ورزی، مهارت‌های ارتباطی، کنترل و مدیریت خشم و آرام‌سازی عضلانی را می‌آموزند. پژوهشگران معتقد بودند، زوجین پرخاشگر و غیرپرخاشگر در کاربرد شیوه حل مسئله باهم تفاوت معناداری دارند و شیوه آموزش مهارت حل مسئله به‌طور معناداری رفتارهای پرخاشگری را کاهش خواهد داد (۲۸). باتوجه به اینکه زوجین پرخاشگر هنگام حل مسئله راه‌حل‌های جرئت‌آمیز کمتری را از در نظر می‌گیرند و بیشتر راه‌حل‌های پرخاشگرانه و عمل‌مدار را برای حل مشکلات بین‌فردی ارائه می‌دهند که مرتبط با تنش و استرس است، آموزش درمان مبتنی بر کیفیت زندگی باعث ایجاد دیدگاه حل مسئله هنگام روبه‌رو شدن با برانگیختگی خشم می‌شود.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود؛ در این پژوهش شیوه نمونه‌گیری دردسترس به‌کار رفت. همچنین داده‌های پژوهش حاضر با پرسش‌نامه‌های خودسنجی جمع‌آوری شد که ممکن است پاسخ آزمودنی‌ها در آن دارای سوگیری باشد. به دلیل شرکت زنان ساکن ایلام در جلسات مداخله باید ضمن در نظر داشتن تفاوت‌های فرهنگی، تعمیم نتایج با احتیاط صورت گیرد.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش، هر دو روش درمانی تأثیر دارد؛ اما درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس درمقایسه با درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، میانگین‌های نمرات متغیرهای باورهای فراشناختی و پرخاشگری را بیشتر کاهش می‌دهد؛ بنابراین در کار با مشکلات افراد متقاضی طلاق، درمان شناختی‌رفتاری مبتنی بر مدیریت استرس کارایی بیشتری درمقایسه با درمان مبتنی بر کیفیت زندگی دارد.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کننده‌ها در این پژوهش که با وجود مشکلات ناشی از

References

1. Zheng S, Duan Y, Ward MR. The effect of broadband internet on divorce in China. *Technological Forecasting and Social Change*. 2019;139:99–114. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.07.038>
2. Schaan VK, Schulz A, Schächinger H, Vögele C. Parental divorce is associated with an increased risk to develop mental disorders in women. *J Affect Disord*. 2019;257:91–9., <https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.06.071>
3. Bastiais K, Pasteels I, Mortelmans D. How do post-divorce paternal and maternal family trajectories relate to adolescents' subjective well-being? *J Adolesc*. 2018;64(1):98–108. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2018.02.005>
4. Anderberg D, Rainer H, Roeder K. Family-specific investments and divorce with dynamically inconsistent households: marital contracts and policy. *Journal of Economic Behavior & Organization*. 2018;148:199–225. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2018.02.019>
5. Bean RC, Ledermann T, Higginbotham BJ, Galliher RV. Associations between relationship maintenance behaviors and marital stability in remarriages. *Divorce*. 2020;61(1):62–82. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1619385>
6. Osoli A, Shariat Madar A, Kalantar A. The relationship between metacognitive beliefs with academic self-regulation and parents-adolescent conflict. *Counseling Culture and Psychotherapy*. 2016;7(27):83–104. [Persian] https://qccpc.atu.ac.ir/article_6726.html?lang=en
7. Rahmani S, Talepasand S, Ghanbary-Motlagh AI. Comparison of effectiveness of the metacognition treatment and the mindfulness-based stress reduction treatment on global and specific life quality of women with breast cancer. *Iran J Cancer Prev*. 2014;7(4):184–96.

8. Wells A, Fisher P, Myers S, Wheatley J, Patel T, Brewin CR. Metacognitive therapy in recurrent and persistent depression: a multiple-baseline study of a new treatment. *Cogn Ther Res*. 2009;33(3):291–300. <https://doi.org/10.1007/s10608-007-9178-2>
9. Goli ZS, Mirsyfi Fard LS. The role of metacognitive beliefs and resilience on predicting marital adjustment in both groups of patients with chronic and acute pain. *Assessment and Research in Counseling and Psychology*. 2021;3(3):55–63. [Persian] <http://dx.doi.org/10.52547/jarcp.3.3.55>
10. Yang T, Yang J. Unraveling the effect of mindfulness on romantic relational aggression: a multiple mediation model. *Pers Individ Dif*. 2021;173:110613. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110613>
11. Stevens GWJM, Veldkamp C, Harakeh Z, Laninga-Wijnen L. Associations between ethnic minority status and popularity in adolescence: the role of ethnic classroom composition and aggression. *J Youth Adolesc* 2020;49(3):605–17. <https://doi.org/10.1007/s10964-020-01200-6>
12. Asgharpour Z, Zarbakhsh Bahri MR. The mediating role of parental psychological aggression and physical punishment in the relationship of parenting styles with bullying. *J Child Ment Health*. 2018;5(1):68–79. [Persian] <http://childmentalhealth.ir/article-1-294-en.html>
13. Muñoz-Fernández N, Sánchez-Jiménez V. Cyber-aggression and psychological aggression in adolescent couples: A short-term longitudinal study on prevalence and common and differential predictors. *Comput Human Behav*. 2020;104:106191. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2019.106191>
14. Matthew FT. Don't stress about it: a primer on stress and applications for evidence- based stress management interventions in the recreational therapy setting. *Journal of Therapeutic Recreation*. 2018;52(4):390–409.
15. Khanjani M, Sohrabi F, Aazami Y. The effectiveness of resilience and stress management training program on psychological well-being, meaning of life, optimism, and satisfaction of life in female-headed households. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*. 2018;6(2):1–11. [Persian] <http://ijpn.ir/article-1-1040-en.html>
16. Frisch MB. *Quality of life therapy: applying a life satisfaction approach to positive psychology and cognitive therapy*. John Wiley & Sons; 2006.
17. Wells A, Cartwright-Hatton S. A short form of the Metacognitions Questionnaire: properties of the MCQ-30. *Behav Res Ther*. 2004;42(4):385–96. [https://doi.org/10.1016/S0005-7967\(03\)00147-5](https://doi.org/10.1016/S0005-7967(03)00147-5)
18. Rahmanian Z, Vaez Mousavi MK. Psychometric properties of the Positive Meta-Cognitions and Meta-Emotions Questionnaire in Iranian athletes. *J Research Health*. 2019;9(7):588–97. [Persian] <https://jr.h.gmu.ac.ir/article-1-904-en.html>
19. Buss AH, Perry M. The Aggression Questionnaire. *J Pers Soc Psychol*. 1992;63(3):452–9.
20. Samani S. Study of reliability and validity of the Buss and Perry's Aggression Questionnaire. *Iranian Journal of Psychiatry & Clinical Psychology*. 2008;13(4):359–65. [Persian] <http://ijpcp.iuums.ac.ir/article-1-356-en.html>
21. Antoni M, Ironson G, Schneiderman N. *A practical guide to cognitive-behavioral stress management*. Al-e-Mohammad SJ, Taher Neshatdost H, Jokar S. (Persian translator). Tehran: Jahad Daneshgahi Publication; 2007.
22. Khoo EL, Small R, Cheng W, Hatchard T, Glynn B, Rice DB, et al. Comparative evaluation of group-based mindfulness-based stress reduction and cognitive behavioural therapy for the treatment and management of chronic pain: a systematic review and network meta-analysis. *Evid Based Ment Health*. 2019;22(1):26–35. <http://dx.doi.org/10.1136/ebmental-2018-300062>
23. Weiner L, Berna F, Nourry N, Severac F, Vidailhet P, Mengin AC. Efficacy of an online cognitive behavioral therapy program developed for healthcare workers during the COVID-19 pandemic: the REDuction of STress (REST) study protocol for a randomized controlled trial. *Trials*. 2020;21(1):870. <https://doi.org/10.1186/s13063-020-04772-7>
24. Zarotti N, Eccles F, Broyd A, Longinotti C, Mobley A, Simpson J. Third wave cognitive behavioural therapies for people with multiple sclerosis: a scoping review. *Disability and Rehabilitation*. 2023;45(10):1720–35. <https://doi.org/10.1080/09638288.2022.2069292>
25. Ahmadian S, Rasouli A. Stress management training on reducing anxiety and promoting happiness and sexual integrity in women with breast cancer. *Iranian Journal of Nursing Research*. 2018;13(1):18–25. [Persian] <https://ijnr.ir/article-1-1995-en.html>
26. Burns JW, Jensen MP, Thorn B, Lillis TA, Carmody J, Newman AK, et al. Cognitive therapy, mindfulness-based stress reduction, and behavior therapy for the treatment of chronic pain: randomized controlled trial. *Pain*. 2022;163(2):376–89. <https://doi.org/10.1097/j.pain.0000000000002357>
27. Nemirovsky A, Ilan K, Lerner L, Cohen-Lavi L, Schwartz D, Goren G, et al. Brain-immune axis regulation is responsive to cognitive behavioral therapy and mindfulness intervention: observations from a randomized controlled trial in patients with Crohn's disease. *Brain, Behavior, & Immunity - Health*. 2022;19:100407. <https://doi.org/10.1016/j.bbih.2021.100407>
28. Bosman JT, Bood ZM, Scherer-Rath M, Dörr H, Christophe N, Sprangers MAG, et al. The effects of art therapy on anxiety, depression, and quality of life in adults with cancer: a systematic literature review. *Support Care Cancer*. 2021;29(5):2289–98. <https://doi.org/10.1007/s00520-020-05869-0>